

آموزش‌های علمی - کاربردی و توسعه اجتماعی

TET and Social Development

مناسبت و ارتباط آموزش‌های علمی - کاربردی و توسعه اجتماعی به نقش آفرینی این آموزش‌ها در پیشبرد تغییرات پویا و متوازن اجتماعی برمی‌گردد و مستلزم شناسایی و بازتاب نیازهای اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی در نظام آموزش‌های علمی - کاربردی و کارکرد مؤثر این نظام در توسعه سرمایه انسانی و اجتماعی، تسهیل دسترسی جامعه به آموزش‌های کارآمد برای حیات اجتماعی مؤثر همه اعضای جامعه است.

تعریف توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی، مفهومی پیچیده و دربرگیرنده دیدگاه‌ها و مباحث گوناگونی است که نه تنها متفاوت بلکه گاه متضاد هستند. در برخی منابع اصطلاح «توسعه اجتماعی» با تعابیر و تعاریف متفاوتی به کار رفته است که معرف دو رویکرد عام و خاص است. در رویکرد عام، توسعه اجتماعی از توسعه غیراجتماعی یا فنی متمایز شده ولی با دیگر انواع توسعه، به ویژه توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تداخل پیدا کرده است. در رویکرد خاص مفهوم توسعه اجتماعی به معنای اخص کلمه و متمایز از توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به کار رفته است (عبداللهی، ۱۳۸۴). گروه توسعه اجتماعی بانک جهانی، توسعه اجتماعی را به مثابه ترکیب سه مفهوم «توانمندسازی» (یعنی برخورداری از حق انتخاب فردی)، «پوشش دهی» (یعنی تأکید نهادها و سیاست‌ها بر افراد فقیر جامعه و توجه به آنها و «امنیت» (یعنی ارتقاء و ثبات اجتماعی و امنیت انسانی) تعریف کرده است (Word bank, 2001; به نقل از عنبری، ۱۳۸۷).

پیشبرد توسعه اجتماعی مستلزم «مسئولیت‌پذیری» عاملان توسعه برای محرومیت‌زدایی و ارتقاء کیفیت زندگی همه مردم است (Francesco and Poggi, 2011). مسئولیت‌پذیری و توسعه اجتماعی با رعایت حقوق بشر به‌طور کلی، شامل: حق پیشرفت و توسعه، حق برخورداری از خدمات با کیفیت بالاتر، حق برخورداری از محیط زیست سالم و سهم مساوی از منافع رشد اقتصادی

در ارتباط است. توسعه اجتماعی یک حوزه میان‌رشته‌ای و میان‌بخشی است که به به‌زیستی مادی و اجتماعی مردم در همه سطوح جامعه معطوف است (Estes, 2001). این تعریف بیانگر دو نکته است: نخست، تأمین رضایت مردم در سطح حداقل نیازهای اساسی با تأمین آن نیازها و دوم، افزایش سطح آزادی که با دامنه انتخاب‌های افراد اندازه‌گیری می‌شود. به باور وی اهداف توسعه اجتماعی با مشارکت مردم تا بالاترین حد ممکن در تعیین اهداف و نتایج توسعه تعقیب می‌شوند (همان).

توسعه اجتماعی دو بعد مرتبط به هم دارد: نخست توسعه ظرفیت مردم برای کار مداوم برای رفاه آنها و جامعه و دوم: تغییر یا توسعه نهادهای اجتماعی، به گونه‌ای که نیازهای بشری را در تمامی سطوح به‌ویژه در پایین‌ترین سطح، از طریق یک فرایند بهبود در روابط بین مردم و نهادهای سیاسی - اجتماعی، رفع نماید (دیوب، ۱۳۷۷). ازکیا توسعه اجتماعی را از مفاهیمی می‌داند که با چگونگی و شیوه زندگی افراد یک جامعه پیوند تنگاتنگی دارد و ناظر بر بالا بردن سطح زندگی عمومی با ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت است. همچنین ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه و در بعدی وسیع‌تر، مباحث مربوط به جامعه مدنی، دموکراسی اجتماعی، عدالت اجتماعی، رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی را از موضوعات محوری توسعه اجتماعی می‌داند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴). از طرفی دیگر توسعه اجتماعی دربرگیرنده بعدی از توسعه است که بر کنش و واکنش‌های انسانی، نهادها و روابط اجتماعی با یکدیگر تأکید و بر آنها تمرکز می‌کند (پیران، ۱۳۸۳). همچنین توسعه اجتماعی افزایش ظرفیت‌ها و توانایی‌های مردم برای فعالیت مداوم به‌منظور تأمین رفاه خود و جامعه و تحول نظام‌های اجتماعی، در راستای برقراری عدالت اجتماعی، ارتقاء فرهنگی، بهبود کیفیت زندگی و برآوردن نیازهای مختلف افراد، یکپارچگی و وحدت و انسجام اجتماعی هم تعریف شده است (آقابخشی و افشاری، ۱۳۷۹). درنهایت توسعه اجتماعی را می‌توان حرکتی در جهت سازگاری بهتر میان فرد و جامعه، ایجاد

حیات اجتماعی، هم‌زمان و در ارتباط متقابل با هم مورد توجه قرار می‌گیرند. البته همان‌طوری که در دیدگاه‌های نوین امروزی مطرح شده است، در هر یک از این ابعاد میان جنبه‌های عینی و ذهنی یا سطوح خرد و کلان تعامل و درهم تنیدگی وجود دارد به‌طوری‌که هیچ‌یک جدای از دیگری نیست (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵).

به‌طور کلی موضوع توسعه اجتماعی در دیدگاه‌ها و آثار اغلب صاحب‌نظران جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر به‌طور ضمنی یا صریح مطرح شده است. امیل دورکیم (۱۹۵۵) در کتاب *تقسیم کار اجتماعی جوامع*، جوامع را به دو دسته سنتی و صنعتی یا مدرن تقسیم می‌کند. جوامع سنتی دارای تقسیم کار ساده مبتنی بر معیارهای محول چون سن و جنس و نظم انتظامی مبتنی بر تشابه پذیری از نظر وجدان جمعی است. این وجدان جمعی اغلب رنگی مذهبی دارد. ولی جوامع مدرن دارای تقسیم کار گسترده و عمیق مبتنی بر معیارهای محقق چون تخصص و انسجام و نظم ارگانیک مبتنی بر تفاوت پذیری است. در این نوع جوامع، نهادهای مدنی و اخلاق مدنی به‌عنوان شاخص‌های توسعه اجتماعی جایگاه و اهمیت بسیار قابل‌توجهی پیدا می‌کنند. صاحب‌نظران معاصر هم روی برخی از جنبه‌های توسعه اجتماعی تأکید کرده‌اند. برای نمونه پارسونز، *جوامع، چشم‌انداز تکاملی و تطبیقی* (۱۹۷۷)؛ کلمن، *مبانی نظریه اجتماعی* (۱۹۹۴)؛ الکساندر، *جوامع مدنی واقعی* (۱۹۹۸)؛ مورن، *هویت انسانی* (۱۳۸۲)؛ بوردیو، *طرح نظریه عملی* (۱۹۷۷)؛ دارندروف، *انسان اجتماعی؛ هابرماس، گستره همگانی و دگرگونی ساختاری* (۱۹۹۱)؛ گیدنز، *هویت شخصی و مدرنیته* (۱۹۹۱)؛ کرایب، *تجربه هویت* (۱۹۹۸)؛ جنکینز، *هویت اجتماعی* (۱۹۹۶)؛ آرچر، *انسان بودن* (۲۰۰۱) را مطرح کرده‌اند (عبداللهی، ۱۳۸۴). موضوع توسعه اجتماعی در ایران هم بیشتر از لحاظ برخی از شاخص‌های آن مانند هویت و اعتماد اجتماعی و... مورد توجه قرار گرفته است (اشرف، ۱۳۸۷؛ الطائی، ۱۳۷۸؛ قادری، ۱۳۸۱؛ احمدی، ۱۳۸۱؛ چلبی، ۱۳۸۲).

مفهوم تغییر توأم با رشد همواره به اشکال گوناگون

امنیت برای شهروندان در همه زمینه‌ها، ایجاد شرایط برابر به‌ویژه، برابری از نظر جغرافیایی و عدم تعادل‌های بین‌منطقه‌ای و درون‌منطقه‌ای، تعریف کرد. توسعه اجتماعی باید به رفاه و آسایش بیشتر افراد جامعه منجر شود تا افراد رضایت بیشتری از زندگی داشته باشند. توسعه اجتماعی، در جامعه‌ای رخ می‌دهد که فاصله طبقاتی، تبعیض و استثمار در جامعه به حداقل برسد و توزیع درآمد و قدرت به گونه‌ای عادلانه به‌وجود آید و فاصله و شکاف میان فقیر و غنی، شهر و روستا و مرد و زن کاهش یابد. راهبردهای توسعه اجتماعی در راستای بهبود کیفیت زندگی انسانی بوده و پاسخگویی به نیازهای اساسی انسان را مدنظر دارد. از این رو راهبردهای توسعه اجتماعی، شامل نیازهای رفاهی، نیازهای فرهنگی، نیازهای روانی، نیاز در تطبیق‌پذیری و نیاز به رشد و ترقی (که در مجموع از عمده‌ترین نیازهای انسان در جامعه جدید به‌شمار می‌آید) است (ازکیا، ۱۳۷۵).

تاریخچه مفهومی توسعه اجتماعی

در فرایند مرور دیدگاه‌های نظری و منابع تجربی هم‌زمان با فرایند تقسیم کار، تفاوت‌پذیری امور، و تخصصی شدن علوم هرچه از گذشته به حال نزدیک‌تر می‌شویم، گرایش به روشنی‌بخشی مفاهیم و به‌کارگیری آنها در معانی اخیر خود بیشتر شده است. به‌طوری‌که امروزه برحسب حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی، حداقل با چهار نوع توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در چهار حوزه حیات اجتماعی سروکار داریم که در فرایند توسعه ملی در هر جامعه‌ای با یکدیگر دارای تعامل، نفوذ، ارتباط و همبستگی متقابل هستند؛ ولی هویت، استقلال نسبی، منطق درونی و ویژگی‌های خاص خود را نیز دارند. توسعه اجتماعی که حوزه انسجام و یگانگی است برخلاف داشتن ارتباط متقابل و تعامل با سایر حوزه‌ها، هویت، استقلال نسبی و منطق درونی خاص خود را دارد و به‌منزله یک واقعیت اجتماعی قابل مطالعه است. امروز توسعه ملی یا متوازن و همه‌جانبه در هر جامعه ناظر به فرایند است که در آن هر چهار بعد

اجتماعی مانند انواع دیگر توسعه مؤلفه‌ها و عوامل متعددی دارد که هر یک نقشی مؤثر در فرایند توسعه ایفا می‌کنند. پژوهشگران در تحقیقات خود عوامل و مؤلفه‌های مختلفی را در امر توسعه اجتماعی مهم ارزیابی کرده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. این نوع از توسعه متضمن بهبود در شاخص‌هایی از جمله سوادآموزی، شهرنشینی، اقلیت‌های قومی، جامعه مدنی و حقوق شهروندی، بهداشت و درمان، اشتغال، امکانات ورزشی و تفریحی، حمل‌ونقل، وسایل ارتباط جمعی، مهاجرت، محیط زیست، زنان و کودکان، تنظیم خانواده، فقر، اعتیاد و... است (خدایاری و اسدی، ۱۳۹۷). تقی‌زاده (۱۳۷۸)، برای سنجش توسعه اجتماعی در سطح کشور از شش عامل اصلی استفاده کرد است: آموزش عالی، بهداشت، جمعیت، ارتباطات، باسواد، گسترش زراعت و سرمایه‌گذاری، اشتغال زنان، سطح آموزش ابتدایی و راهنمایی، اشتغال صنعتی و شهرنشینی. همچنین دفتر عمران سازمان ملل طی گزارش در سال ۱۹۹۵ م از سوی کارشناسان علوم اجتماعی ۱۲ معیار برگزیده را معرفی کرد که مبنای تحقیقات بعدی قرار گرفتند: بهداشت، تغذیه، آموزش، شرایط کار، اشتغال، درآمد و پس‌انداز، حمل‌ونقل، مسکن، پوشاک، تفریح و اوقات فراغت، امنیت اجتماعی، آزادی‌های انسانی (صحرائی، ۱۳۸۷). سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا برای توسعه اجتماعی هشت معیار از جمله: سلامت، آموزش، اشتغال، تسلط بر کالاها و خدمات، امنیت، اجرای عدالت، میزان نابرابری، محیط زیست را مشخص و در مجموع ۲۴ شاخص را برای این معیارها معرفی کرد (OECD, 1982). مطیعی و همکاران (۱۳۹۲) در «سنجش توسعه اجتماعی در نواحی روستایی ایران» معیارهایی همچون آموزش، بهداشت، اشتغال، اقتصاد، مشارکت عمومی، شبکه‌های اجتماعی، اعتماد اجتماعی، هنجارها، تسهیلات رفاهی، ارتباطات و مخابرات، نگرش به برابری حقوقی، قانونمندی، امنیت اجتماعی، محیط زیست و حمل‌ونقل عمومی را به کار بردند. حاجی‌ابراهیم‌زاده (۱۳۸۳)، در پژوهش خود هفت مؤلفه را همراه معیارها و

موردتوجه اندیشمندان علوم اجتماعی بوده است ولی توجه اختصاصی به مفهوم توسعه و برنامه‌ریزی جهت نیل به توسعه‌یافتگی از قرن بیستم میلادی تبدیل به هدفی ارزشمند برای بیشتر کشورهای جهان شد که در راستای رسیدن به شاخص‌های آن، برنامه‌ریزی توسعه صورت گرفته است. این توجه بعد از جنگ جهانی دوم و در راستای نیاز به بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ، همچنین استقلال کشورهای مستعمره سابق شدت بیشتری یافت. برنامه‌ریزی نخست در کشور شوروی سابق انجام می‌شد که به دلیل موفقیت‌آمیز بودن آن سایر کشورها کم‌وبیش اقدام به تدوین برنامه جامع و متمرکز (همراه با مداخله گسترده دولت در تمامی وسایل تولید کالا و خدمات) کردند. کشور ایران با آغاز نخستین تجربه برنامه‌ریزی در سال ۱۹۴۸م از پیشگامان این امر محسوب می‌شود. در این راستا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی چندین برنامه توسعه به اجرا درآمده است. شواهد حاکی از این است در پنج برنامه توسعه به اتمام رسیده توجه مشترکی به مؤلفه‌های «آموزش»، «حمایت و تأمین اجتماعی»، «حفاظت از محیط زیست»، «بهره‌برداری بهینه از منابع» و «علم‌گستری و فناوری» و «تعديل شکاف میان مناطق محروم و برخوردار» شده است. با این حال سیاست‌گذاری ویژه‌ای برای مؤلفه‌هایی همچون «عدالت جنسیتی»، «همبستگی و انسجام ملی»، «هم‌گرایی قومی - نژادی»، «کاهش واگرایی مذهبی»، «جوانان»، «سالمندان»، «سلامت و ثبات خانواده»، «امنیت اجتماعی»، صورت نگرفته و یا اینکه سیاست‌ها مبهم و کلی هستند (جعفایی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین، بازنشانی اهمیت و جایگاه توسعه اجتماعی در برنامه‌های توسعه به‌طورکلی و در برنامه‌ریزی نظام‌های آموزشی مختلف، از جمله آموزش‌های علمی - کاربردی ضرورتی آشکار به‌شمار می‌رود.

معیارها و شاخص‌های توسعه اجتماعی

شاخص‌های اجتماعی ابزارهایی را برای ارزیابی جنبه‌های مختلف وضعیت اجتماعی ارائه می‌کنند. توسعه اجتماعی به‌طور همزمان شامل چند امر هماهنگ می‌شود. توسعه

ارزش‌های معنوی و مدیریت تضادها در این حیطه که بیشتر جنبه کیفی توسعه را دارد، مطرح می‌شود. برابری آحاد جامعه، حفظ حقوق خانواده و اجتماعات و حقوق سیاسی، مشارکت اجتماعی آگاهانه و فراگیر، حاکمیت و رعایت ارزش‌های مشترک و روح جمعی در سطح جامعه، از محورهای اصلی این بعد از توسعه پایدار به‌شمار می‌روند. در پایداری اجتماعی خلق و ایجاد تمدن انسانی براساس توزیع عادلانه دارایی‌ها و درآمدها به‌منظور کاهش فاصله سطح زندگی میان ثروتمندان و فقیران مدنظر است. حاصل پایداری اجتماعی، توزیع عادلانه و بهبود کیفیت زندگی است (همان).

روند توسعه اجتماعی در مباحث کلان توسعه

تاریخچه آغاز بحث‌های توسعه‌ای به دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی برمی‌گردد. در این دو دهه توسعه صرفاً یک معنای اقتصادی داشت و با رشد سالانه تولید ناخالص ملی و رشد تولید ناخالص ملی سرانه برابر بود. اما پس از دسترسی برخی از کشورهای جهان سوم به هدف‌های سازمان ملل در زمینه رشد اقتصادی، سطح زندگی اکثر مردم در این کشورها در بیشتر زمینه‌ها بدون تغییر باقی ماند و درست در همین شرایط بود که توسعه از حالت مکانیکی غیر منعطف و یک‌سونگر با گرایش اقتصادی به یک مفهوم پویا، منعطف، چند بعدی و فرایندی تبدیل شد. انتقادات به نظریات توسعه‌ای که جنبه اقتصادی داشت از سوی افرادی مانند: سیرز، گولت، دیاکیت و دیگران سبب شد که بازنگری اساسی در تعریف توسعه صورت گیرد (دیاکیت، ۱۳۷۳). بنابراین از دهه ۷۰ م به بعد برای توسعه، معنی متفاوت و چندجانبه‌ای قائل شدند، به طوری که سازمان ملل متحد نیز در قطعنامه ۲۶۲۶ درباره راهبرد بین‌المللی توسعه چنین آورده است: تغییرات کیفی و ساختاری در جامعه باید به گونه تنگاتنگی به یک رشد اقتصادی سریع وابسته باشد، در عین حال که نابرابری‌های موجود (منطقه‌ای، محلی و اجتماعی) باید به نحو چشمگیری کاهش یابد (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹). می‌توان گفت از دهه هفتاد

شاخص‌های درونی آنها به‌مثابه شاخص‌های توسعه اجتماعی به‌کار برده است که عبارت‌اند از: وحدت و وفاق اجتماعی (کاهش تضادها و تنش‌های قومی - فرهنگی)، عدالت اجتماعی (کاهش نابرابری بین زن و مرد، توزیع مناسب درآمد و ثروت، کاهش شکاف میان مناطق و شهر و روستا)، رفاه و سطح زندگی (خدمات زیربنایی و تسهیلات، آموزش و پرورش، بهداشت، تغذیه، مسکن)، نظام تقسیم نقش‌های اجتماعی (تفکیک قوا، میزان بوروکراسی) ظرفیت و کیفیت انسانی (میزان باسوادی، میزان شهرنشینی، میزان تحصیلات دانشگاهی، ضریب اشتغال، بهره‌وری)، سرمایه اجتماعی (اعتماد، هنجارها، شبکه‌ها)، امنیت اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی).

یکی از ملزومات توسعه اجتماعی، رشد دارایی‌های اجتماعی (یا ارتباطی) است که مبین اعتماد میان افراد و شبکه‌ها است. فهم و ارزش‌های مشترکی که این دو به‌وجود می‌آورند، همکاری در درون گروه و میان گروه‌ها را تسهیل می‌کنند. در این باره، سرمایه اجتماعی بر عناصری مانند آگاهی، اعتماد، مشارکت و همکاری، مسئولیت‌پذیری متقابل استوار است. بر پایه سرمایه اجتماعی است که مردم می‌توانند، گزیدارهای معیشتی خود را انتخاب کرده و کار و زندگی خویش را در بستر جامعه تداوم بخشند. سرمایه اجتماعی در قالب پیوندها و روابط پویای گروهی و اجتماعی و نیز در پرتو همبستگی‌های قومی، خانوادگی، قانونی، حرفه‌ای به‌شکل رسمی یا غیررسمی متبلور می‌شود. از منظر جامعه‌شناسی، سرمایه اجتماعی از لحاظ کارکردی از اهمیت بیشتری نسبت به سایر انواع سرمایه برخوردار است، چرا که ترکیب هر گونه کنش انسانی بوده و می‌تواند بازده سایر سرمایه‌ها را با هموارسازی مدیریت اثربخش و کارآمد، بهینه کند (شریف‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵).

سطح توسعه اجتماعی نیز با توجه به حفظ سرمایه‌های اجتماعی تعریف می‌شود. این سرمایه‌ها شامل اخلاقیات، فرهنگ، سازماندهی و ذخایر اجتماعی-سیاسی است. بنابراین امنیت فردی، اجتماعی، شخصیت اجتماعی، اخلاق،

توسعه اجتماعی مترادف با سیاست‌گذاری‌های اجتماعی و گاهی تحت عنوان توسعه انسانی و در عمل به معنی مقابله با فقر و نابرابری هم مد نظر قرار گرفته است.

آموزش‌های علمی - کاربردی و توسعه اجتماعی

نقش آموزش در پیشبرد توسعه اجتماعی از مدت‌ها پیش نزد صاحب‌نظران توسعه و در محافل بین‌المللی شناسایی و مورد توجه قرار گرفته است (Adams & Adams, 1968). تدوین و ارزیابی شاخص توسعه اجتماعی، با شمول مؤلفه آموزش و ارتباط آن با کیفیت زندگی و ارزیابی و رتبه‌بندی منظم کشورهای جهان تلاشی در همین راستا به‌شمار می‌رود (فاضل و همکاران، ۱۳۹۲).

بررسی تطبیقی تأثیر توسعه آموزشی بر توسعه ایران و کشورهای منتخب حاکی از این بوده که بیشترین تأثیر را آموزش عمومی (نرخ سواد) و پس از آن شاخص هزینه‌های دولت در آموزش عالی بر توسعه داشتند. در این میان، کشورهای انگلستان، ایالات متحده و ژاپن که سابقه بیشتری در توسعه آموزشی دارند، از نظر شاخص‌های توسعه هم در وضعیت بالاتری قرار داشتند. ضرایب تأثیرگذاری شاخص‌های آموزشی بر توسعه در زمینه آموزش‌های عمومی بیانگر این بود که کوچک‌ترین تغییر در سطح سواد اثر بیشتری روی شاخص توسعه در کشورهای توسعه‌یافته دارد؛ اما با توجه به پایین بودن نسبی سطح سواد در کشورهایمانند ایران، هند و مصر هنوز فضای زیادی برای سیاست‌گذاری در آموزش عمومی جهت تأثیرگذاری بر توسعه وجود دارد. کشورهایی که رشد شتابانی در توسعه آموزشی دارند (کره جنوبی، چین، ترکیه و برزیل)، در میانه این دو طیف قرار داشتند. از نظر تأثیرگذاری آموزش عالی بر توسعه، ضرایب کشورهای کمتر توسعه‌یافته اغلب بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته بود. در ایران برخلاف اینکه در دوره مذکور با رشد فزاینده تعداد دانشجویان مواجه بوده، شاخص توسعه از رشد مناسبی برخوردار نبوده و ضرایب مربوط به شاخص آموزش عالی در مقدار پایین‌تری نسبت به آنچه انتظار می‌رود، قرار گرفته است. این بدین معنا است که برخلاف گسترش آموزش عالی، دیگر عوامل منجر به

میلادی توسعه، معنی صرفاً اقتصادی خود را از دست داد و لزوم چندجانبی بودن و پوشش ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی در کنار بعد اقتصادی را نیز در بر گرفت (عبداللهی، ۱۳۸۴).

نشست پیرامون توسعه اجتماعی از سوی سازمان ملل در شهر کینهاگ در سال، ۱۹۹۵ م نقطه عطفی در کاربرد رویکرد توسعه اجتماعی بود و در آن سران کشورهای شرکت‌کننده، خود را به اجرای یک برنامه عملی که طیف وسیعی از سنج‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای ریشه کنی فقر را دربر می‌گرفت، متعهد کردند (UN, 1995). این بیانیه مسئولیت اصلی مقابله با فقر را بر عهده دولت‌های ملی قرار می‌دهد ولی بر اجتماع بین‌المللی هم به‌عنوان ناظر تأکید می‌کند. در مجموع توسعه اجتماعی یکی از زمینه‌هایی در نظر گرفته شد که می‌توان با گسترش و ارتقاء شاخص‌های آن در جامعه، نسبت به رسیدن به توسعه‌ای متوازن و برابر میان مناطق و افراد، برای رفاه و رضایت افراد از زندگی، حرکت کرد (فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹).

پنج سال بعد، در نشست نمایندگان کشورها در ژنو این موضوع مورد توجه قرار گرفت و مقرر شد هر پنج سال یک بار برنامه‌های اجرا شده برای توسعه اجتماعی ارزشیابی و میزان تحقق اهداف توسعه اجتماعی پی‌گیری شود. در بیانیه ژنو، نظارت اجتماع بین‌المللی بر رعایت حقوق بشر، بخشودگی بدهی‌های خارجی کشورهای فقیر، تجارت خارجی کشورها، سرمایه‌گذاری در بخش‌های اجتماعی و نقش بانک جهانی مورد توجه قرار گرفت. در این بیانیه برای توسعه اجتماعی و ارزشیابی میزان تحقق آن از طریق شاخص‌هایی چون دسترسی به خدمات آموزشی، درصد جمعیت باسواد، طول عمر، میزان مرگ‌ومیر نوزادان، سوء تغذیه و تغذیه مناسب، سطح بهداشت و کنترل بیماری‌ها، مسکن مناسب، برابری زن و مرد و... تأکید شد (عبداللهی، ۱۳۸۴). در واقع در طول تاریخی پیوند میان عوامل و شاخص‌های توسعه و شاخص‌های توسعه اجتماعی با توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی گسترده‌تر شده است و

توسعه در کشور فراهم نبوده و امکان پر کردن شکاف علمی و فناورانه به وجود نیامده است (بربری و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین، اثربخشی آموزش‌های علمی - کاربردی در کنار سایر نظام‌های آموزشی مستلزم فراهم بودن سایر مؤلفه‌ها و عوامل مورد نیاز برای توسعه متوازن و پایدار اجتماعی است. برای تقویت جهت‌گیری آموزش‌های علمی - کاربردی در مسیر توسعه اجتماعی لازم است، موضوعاتی همانند حقوق شهروندی و محافظت از محیط طبیعی، مصرف پایدار، توسعه پایدار، و مؤلفه‌های فرهنگی (نقد فرهنگی، بازسازی فرهنگ، حفظ فرهنگ، سیستم مذهبی و باورها) در محتوا و برنامه درسی این آموزش‌ها گنجانده شود (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷) و دست‌اندرکاران امر، به‌ویژه آموزشگران و مدیران آموزشی درباره اهمیت و ضرورت این مباحث توجیه شوند.

توسعه اجتماعی در گرو برنامه‌ریزی هدفمند برای پیشبرد مستمر تغییرات اجتماعی در جامعه در تعامل با سایر ابعاد و نظامات توسعه، شامل اقتصادی، فرهنگی و محیطی است. از دیگر سو، آموزش هم‌نظام‌یافته و برپایه برنامه‌ریزی بوده و آرمان تحقق یک جامعه پویا و سالم در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره را دنبال می‌کند. بنابراین، آموزش و توسعه اجتماعی به‌لحاظ هدفمندی و مبتنی بودن بر برنامه و نیز پیگیری تغییرات سازنده در جامعه هم‌سو هستند. در این میان، آموزش می‌تواند عاملی مؤثر و سازوکاری هدفمند، برای پیشبرد تغییرات اجتماعی و توسعه اجتماعی در نظر گرفته شود. در این میان، برنامه‌ریزی‌های آموزشی به بهترین وجه ممکن می‌تواند تجلی هدف‌های توسعه اجتماعی یک جامعه باشد و چارچوبی را برای پیشبرد تغییر و تحولات اجتماعی با رویکردی آینده‌نگر و هماهنگ و همگام با سایر عناصر ساختار اجتماعی به‌دست دهد. توسعه نظام آموزشی در ابعاد مختلف، شامل توسعه تجهیزات و امکانات آموزشی، تربیت و فعالیت مربیان و مدرسان، سیاست‌های جذب فراگیر (دانشجو یا دانش‌آموز)، تعریف رشته‌ها و دوره‌های آموزشی، تعریف استانداردها، ضوابط و مقررات آموزشی به‌گونه‌ای صورت گیرد که

موجبات توسعه اجتماعی را فراهم کرده و علاوه‌بر تأمین خواسته‌ها و نیازهای مشروع جامعه، سازوکاری پیشانگر را برای پیشبرد توسعه اجتماعی و ثمرات آن، شامل رشد عقلانیت و قابلیت‌های شهروندان، اشتغال‌زایی و کارآفرینی، گسترش سرمایه اجتماعی، رفاه و غیره را برای برنامه‌ریزان توسعه فراهم کند.

یکی از نقش‌های مهم آموزش‌های علمی - کاربردی در توسعه اجتماعی، تأکید بر تشکیل سرمایه انسانی با آموزش صلاحیت‌محور است که منجر به بروز و پرورش قابلیت‌های انسانی مورد نیاز برای پیشبرد تغییرات اجتماعی سودمند در جامعه می‌شود. در آموزش صلاحیت‌محور دانش و عمل با هم تلفیق می‌شود؛ تیم‌هایی متشکل از آموزشگران رشته‌های مختلف برای فعالیت بین رشته‌ای وجود دارد و آموزشگران مسئول توانمندسازی فراگیران هستند تا از این راه صلاحیت‌های لازم برای مشارکت در جامعه را به‌دست آورند (Wesselink et al., 2010). این صلاحیت‌ها به دانش و مهارت تکنیکی محدود نمی‌شود، بلکه مواردی همچون ارتباطات و مهارت‌های کلامی مورد نیاز افراد برای ایفای نقش در جامعه و همچنین موفقیت حرفه‌ای آنها را نیز دربر دارد (Wijnia et al., 2016).

آموزش‌های علمی - کاربردی می‌تواند با کمک به افزایش برابری، کاهش فقر، توزیع عادلانه دارایی‌ها و درآمدها برای کاهش فاصله سطح زندگی میان ثروتمندان و فقرا، توانمندسازی، مشارکت، تحرک اجتماعی، هدایت فرهنگی و توسعه نهادی، در توسعه اجتماعی سهیم شود.

کتاب‌شناسی

- احمدی، ح. (۱۳۸۱). جهانی شدن و هویت قومی یا هویت ملی. فصلنامه مطالعات ملی، ۳ (۱۱): ۴۱-۵۷.
- ازکیا، م. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران. چاپ دوم، تهران: انتشارات اطلاعات.
- ازکیا، م.، غفاری، غ. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی توسعه، چاپ ششم، انتشارات کیهان. تهران.
- اشرف، ا. (۱۳۸۷). هویت ایرانی به سه روایت. بخارا، ۶۶، ۱۱۰-۱۲۷.
- آقابخشی، ع.، و افشاری، م. (۱۳۷۹). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر پایا.
- بربری، م. ج.، راغفر، ح.، کلانتری، ع.، غفاری، غ. (۱۳۹۶). بررسی

تهران.

فاضلی، م.، فتاحی، س. و زنجان رفیعی، س. ن. (۱۳۹۲). توسعه اجتماعی، شاخص‌ها و جایگاه ایران در جهان. *مجله مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی*، ۲(۱)، ۱۸۲-۱۵۹.

فیروزآبادی، ا.، حسینی، ر.، قاسمی، ر. (۱۳۸۹). مطالعه شاخص‌ها و رتبه توسعه اجتماعی در استان‌های کشور و رابطه آن با سرمایه اجتماعی. *رفاه اجتماعی*، ۱۰(۳۷)، ۹۳-۵۷.

قادری، ح. (۱۳۸۱). چالش‌های دولت و هویت ملی. *فصلنامه مطالعات ملی*، ۳(۱۱)، ۳۳-۲۲.

مطیعی، ن.، خوشبخت، ح.، ساجدی، م.، رنجبر، ا. (۱۳۹۲). سنجش سطح توسعه اجتماعی مناطق روستایی (مطالعه موردی شهرستان داراب). *نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، ۵(۴)، ۱۲۴-۱۱۱.

مورن، ادگار. (۱۳۸۲). *هویت انسانی*. ترجمه نیک‌پی، تهران: قصیده‌سرا.

Adams, D., and Adams, J. (1968). Education and Social Development. *Review of Educational Research*, 38(3), 243-263.

Alexander, J. (1998). *Real Civil Societies: The Dilemmas of Institutionalism*. 1st edition. SAGE Publications Ltd.

Archer, M. (2001). *Being Human, The problem of Agency*. Sage Publication.

Bourdieu, P. (1977). *Outline of a Theory of Practice* (No. 16). Cambridge university press.

Castells, M. (1993). *The Power of Identity*. Blackwell Publishers.

Coleman, J. (1994). *Foundation of Social Theory*. Harvard University Press.

Craib, I. (1998). *Experiencing Identity*. Sage Publication.

Estes, R. I. (2001). *Social welfare and social development: Partners or competitors*. University of Pennsylvania. USA.

Giddens, A. (1991). *Modernity and Self Identity*. Cambridge: Polity Press.

Habermas, J. (1991). *The Structural Transformation of the Public Sphere*. Translated by Burger, Cambridge, Mass: MIT Press.

Jenkins, R. (1996). *Social Identity*. London: Routledge.

Francesco D. and Poggi, A. (2011). Poverty and social exclusion: two sides of the same coin or dynamically interrelated processes?. *Applied Economics*, 43(25), 3549-3571.

OECD. (1982). *OECD list of social indicators*. Paris: OECD Publications and Information Center.

Parson, T. (1996). *Societies, Evolutionary and Comparative Perspective*. New-Jersey: Prentice Hall.

Touraine, A. (2002). *Can We Live Together: Equality and Difference*. Polity Press.

United Nations (UN). (1995). *World summit for social development*. (6-12 March 1995) Copenhagen. Denmark.

Wesseling, R, Ceas, D., and Biemans, H. J.A. (2010). Aspects of competence-based education as footholds to improve the connectivity between learning in school and in the workplace. *Vocations and Learning*, 3 (1), 19-38.

تطبیقی تأثیر توسعه آموزشی بر توسعه ایران و کشورهای منتخب. *نشریه پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۱(۳۸)، ۸۱-۱۳۶.

پیران، پ. (۱۳۸۳). سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران (نقد و بررسی سند کینهاگ). *رفاه اجتماعی، ویژه‌نامه سیاست اجتماعی*، ۳(۱۰)، ۱۵۴-۱۲۱.

تقی‌زاده، ف. (۱۳۷۸). *سطح‌بندی استان‌های کشور از نظر رفاه و توسعه‌یافتگی*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

تورن، آلن. (۱۳۸۰). *نقد مدرنیته*. ترجمه مرتضی مردیها. تهران: گام نو.

جغتایی، ف.، موسوی، م. ط. و زاهدی مازندرانی، م. (۱۳۹۵). ابعاد و مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در برنامه‌های پنج‌گانه توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *رفاه اجتماعی*، ۱۶(۶۳): ۵۵-۸۸.

حاجی‌ایراهیم‌زاده، ت. (۱۳۸۳). سنجش عملکرد شوراهای اسلامی نمونه با شاخص‌های توسعه اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت توسعه، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.

خدایاری، س.، اسدی، ع. (۱۳۹۷). *مطبوعات و توسعه اجتماعی*. فصلنامه توسعه اجتماعی، ۱۳(۱)، ۱۶۸-۱۴۹.

داروندورف، رالف. (۱۳۷۱). *انسان اجتماعی*. ترجمه خدیوی، تهران: نشر آگاه.

دورکیم، ا. (۱۹۵۵). *درباره تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه باقر پرهام، بابل: کتابسرای بابل.

دیاکیت، س. (۱۳۷۳). توسعه فقط مسئله فن‌سالاران نیست. ترجمه، احمد محقق. *مجموعه کتاب توسعه*، شماره ۳: ۱۲۴-۱۱۱.

دیوب، د. (۱۳۷۷). *نوسازی و توسعه - در جستجوی قالب‌های فکری جدید*. ترجمه احمد موثقی، تهران: نشر قومس.

رضایی، م.، احمدی، غ.، امام‌جمعه، س. م. ر.، نصری، ص. (۱۳۹۷). بررسی میزان توجه به مؤلفه‌های آموزش برای توسعه پایدار در برنامه درسی علوم اجتماعی دوره ابتدایی. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۵(۵۷)، ۲۸-۴۲.

شریف‌زاده، م. ش.؛ عبدالله‌زاده، غ.؛ اکبری، م.؛ و مبینی دهکردی، ع. (۱۳۹۵). *کارآفرینی و پایداری، به سوی کارآفرینی پایدار*. تهران: سازمان جهاد دانشگاهی.

صحرایی، س. (۱۳۸۷). بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح‌بندی دهستان‌های شهرستان اصفهان. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تهران.

الطائی، ع. (۱۳۷۸). *بحران هویت قومی در ایران*. تهران: نشر شادگان.

عبداللهی، م. (۱۳۸۴). *توسعه اجتماعی*. *فرایند مدیریت و توسعه*، ۱۸(۴)، ۲۱-۱۴.

عنبری، م. (۱۳۸۷). بررسی جایگاه، چارچوب مفهومی و چالش‌های مربوط به کیفیت (سطح و سبک) زندگی در ایران (با استناد به مفاد مربوطه در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور). *طرح پژوهشی*. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، کمیسیون شورای اجتماعی،

Social Identity	هویت اجتماعی
human identity	هویت انسانی
Modernity and Self Identity	هویت شخصی و مدرنیت

Wijnia, L., Kunst, E., Marianne, W., and Poell, R. (2016). Team learning and its association with the implementation of competence-based education. *Teaching and Teacher Education*, 56,115-26.

همایون مرادزادی (عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام)

معادل‌ها

Archer	آرچر
Emile Durkheim	امیل دورکیم
Homo sociologicus	انسان اجتماعی
Being Human	انسان بودن
Bourdieu	بوردیو
Parson	پارسونز
Inclusion	پوشش دهی
Experiencing Identity	تجربه هویت
The division of labor in society	تقسیم کار اجتماعی جوامع
Empowerment	توانمندسازی
Jenkins	چنکینز
Real Civil Societies	جوامع مدنی واقعی
Societies, Evolutionary and Comparative Perspective	جوامع، چشم‌انداز تکاملی و تطبیقی
Social Asset	دارایی‌های اجتماعی
Dahrendorf	دارندورف
Diakite	دیاکیت
Organisation for Economic Co-operation and Development	سازمان همکاری و توسعه اقتصادی
Seers	سیرز
Outline of a Theory of Practice	طرح نظریه عملی
Craib	کرایب
Alexander	الکساندر
Coleman	کلمن
The Structural Transformation of the Public Sphere	گستره همگانی و دگرگونی ساختاری
Gollet	گولت
Giddens	گیدنز
Foundation of Social Theory	مبانی نظریه اجتماعی
Morin	مورن
Habermas	هابرماس